



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# بدعت یا سنت؟

رضا بابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عزاداری؛ بدعت یا سنت؟

نویسنده:

رضا حاجی بابایی

ناشر چاپی:

همشهری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... عزاداری؛ بدعت یا سنت؟
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... چکیده
۶	..... عزاداری از مصداق‌های شعائر
۷	..... حکم کلی گریه و عزاداری
۸	..... ادله و انواع مخالفان
۸	..... اشاره
۹	..... مخالفت از موضع شرعی
۹	..... مخالفان سیاسی
۱۰	..... مخالفت از موضع عرفان
۱۲	..... پاورقی
۱۳	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## عزاداری؛ بدعت یا سنت؟

### مشخصات کتاب

رضا بابایی

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۵۲۷۳۵

سرشناسه: حاجی بابایی، رضا

عنوان و نام پدیدآور: عزاداری، بدعت یا سنت؟ / حاجی بابایی، رضا

منشأ مقاله: ، خردنامه همشهری، ش ۱۵، (۶ اسفند ۱۳۸۲): ص ۱۱ - ۱۳.

توصیفگر: سوگواریها

توصیفگر: حسین بن علی (ع)، امام سوم

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: ماه محرم

### چکیده

عزاداری از مصادیق بارز شعائر است که به تعظیم آن در روایات بسیاری سفارش شده است. و علی‌رغم دیدگاه مخالفان عقاید شیعی مبنی بر نامشروع بودن و مکروه بودن گریه بر درگذشتگان، گریه بر امام حسین علیه السلام امری پسندیده دانسته شده است. با این که مخالفان، گاه از موضع شرعی و گاه از موضع سیاسی و گاه عرفانی به تقیح عمل شیعه پرداخته، آن را بدعت شمرده‌اند؛ اما نصوص معتبری از سنت و سیره نبوی در دست است که نشان می‌دهد ماجرای گریه و عزاداری شیعه برای امام حسین علیه السلام علاوه بر آن که ثبوتاً، حق و مطابق با سمت و سوی اسلام است، اثباتاً نیز فواید بسیاری را نصیب دین و دینداری کرده است. کلیدواژه‌ها: عزاداری، بدعت، گریه، شعائر الهی، وهابیت، عرفا. گریه و عزاداری برای سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ریشه در همه ابعاد اسلام دارد. این سنت شگفت و روحمند، اگر چه در میان شیعیان، رواج و اعتبار بیشتری دارد، اختصاص به مذهب خاص و نصوص ویژه‌ای ندارد؛ زیرا از لابه‌لای متون کهن و نصوص اولیه و فتاوی‌ای عالمان مذاهب مختلف، می‌توان برای آن حجت آورد. در این جا به احادیث و اخباری که در کتب شیعی آمده است، نمی‌پردازیم؛ زیرا برای اثبات موضوعی مربوط به مذهبی خاص، نمی‌توان و نباید به منابع آن مذهب اکتفا کرد. گذشته از این، روایات مربوط به صحت و صواب گریه بر سیدالشهدا از طریق مذهب امامیه، در مجموعه‌های مختلفی گرد آمده است و نیازی به تکرار آنها در این مختصر نیست. آنچه در این مختصر، وجهه اهتمام نویسنده است، رد «بدعت‌انگاری عزاداری برای امام حسین علیه السلام» است. در این باره می‌توان از نقطه‌های دور آغاز کرد و مثلاً از «فواید گریه» و «آثار عزاداری» نیز سخن گفت؛ اما می‌کوشیم از نزدیک‌ترین منزل، به سوی مقصد ره بسپاریم و پاره‌ای از مقدمات را، که در جای خود ضروری نیز هست، رها می‌کنیم.

### عزاداری از مصادیق‌های شعائر

عزاداری و گریه بر مصائب اولیای خدا، اگر چه نه از اصول و نه از فروع دین است، اما بی ارتباط و التزام با برخی از اصول و فروع دین نیست. نخستین گام، نشان دادن جایگاه این سنت دیرینه را در مجموعه دین و روشن کردن این مطلب است که عزاداری برای

اولیای خدا، عموماً، و برای سیدالشهدا، خصوصاً، چه جایگاهی در اسلام دارد. پاسخ به این سؤال، نزد شیعه، سهل است و آنان نیاز چندانی به کاوش در این باره ندارند. زیرا اصل امامت، توابع و لوازمی دارد که احیای نام و یاد امامان، از آن جمله است، و احیای مرام و منش ائمه علیهم السلام جز از رهگذر تولد و تبراً ممکن نیست. نیاز به یادآوری نیست که عزاداری برای امام حسین علیه السلام بارزترین تجسم عینی تولد و تبراً است. بنابر این، عزاداری و گریه، نقطه آغازی است که به احیای اصل امامت می‌انجامد و از آنجا اساس دین را استحکام می‌بخشد. جز آنچه گفته شد، شایسته‌ترین عنوانی که می‌توان از قرآن برای عزاداری برای امام حسین علیه السلام، نشان داد، «تعظیم شعائر الهی» است. «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعْلَ رِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». [۱] «شعائر»، جمع شعیره، به معنای علامت و نشانه است. قرآن کریم، خود برخی از مصادیق این نشانه‌ها را بر شمرده است که: «صفا» و «مروه» [۲]، و «شتری که برای ذبح در منی می‌برند» [۳] از آن جمله است. وقتی ذبیحه حج در منطقه مقدس (صفا و مروه)، به دلیل ارتباط و انتساب آنها به خدا، از نشانه‌های او محسوب می‌شوند، به تنقیح مناط و به طریق اولویت، اولیای خدا، به دلیل ارتباط و انتساب بیشتر، مصداق‌های روشن‌تری برای شعائر الهی‌اند. از سوی دیگر تعظیم شعائر، طرقی دارد که شادمانی در ایام سرور اولیا، و حزن و عزاداری در سال روز مصائب آنان، از آن جمله است. اگر کعبه و صفا و مروه و منی و عرفات، که جملگی از جمادات‌اند، به حرمت ارتباط با آیین خدا و انتساب به او، احترام می‌یابند، آیا بزرگداشت دوستان و اولیای او، تعظیم شعائر الهی نیست؟ غیر از سفارش به تعظیم شعائر الهی، توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن به دوستی با خویشاوندان او، ریشه‌ای دیگر برای عزاداری است. خداوند در قرآن مجید از زبان پیامبرش و خطاب به مؤمنان می‌گوید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». [۴] بدین ترتیب اجر رسالت، دوستی با خویشان پیامبر است و اقتضای این دوستی، گریستن در مصیبت آنان و شادمانی در سرور آنان است.

### حکم کلی گریه و عزاداری

حزن و گریه، از امور اختیاری نیستند تا مورد امر و نهی قرار گیرند. همان‌گونه که انسان‌ها - نوعاً - نمی‌توانند به اختیار و از سر عزم و تعهد، بگریند، وقتی مقدمات گریه در آنان حاصل شد، گریزی از گریستن ندارند. نهی از گریه، از جمله نهی‌های عبث و بی‌وجه است؛ مانند نهی از گذشت زمان. مقدمات گریستن و در وضع و مکان گریه قرار گرفتن، در اختیار انسان است و بدین رو، می‌تواند مورد امر و نهی باشد؛ بنابر این در این‌جا مراد از نهی از گریستن، نهی از مقدمات آن است. اصل گریه و عزاداری برای مردگان، مشمول اصل اباحه است و موضوع هیچ یک از نهی‌های شریعت نیست. غیر از آنچه در سیره نبوی آمده است، شواهد و دلایل روشنی بر تأیید این نوع از گریستن، در تاریخ اسلام دریافت می‌شود. در کتاب صحیح بخاری، روایاتی نقل شده است که بر اساس آنها، مردگان به جرم گریستن خویشان‌شان بر آنان، معذب می‌شوند: «إِنَّ الْمَيِّتَ لِيُعَذَّبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ». [۵] این روایت را خلیفه دوم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است. او با نقل این حدیث، عایشه را از گریستن در عزای پیامبر صلی الله علیه و آله پرهیز می‌داد. روایت دیگری نیز به پیامبر نسبت داده‌اند که در آن نیز مرده، به جرم نوحه بازماندگانش عذاب می‌شود: «يُعَذَّبُ فِي قَبْرِهِ بِالنَّيْحَةِ عَلَيْهِ». [۶] این روایت را نیز عبدالله بن عمر، خطاب به عایشه در عزای شویش، نقل می‌کند. در کتب روایی، پاسخ عایشه به خلیفه دوم و فرزندش نقل شده است. عایشه، در پاسخ به آن دو، آیه ۱۶۴ سوره انعام را می‌خواند: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى». بدین ترتیب، عایشه به آنان می‌گوید: اگر عمل عزادار خطاست، نباید میت را عذاب کنند، و چون این سخن با نخستین قواعد عقلی و عدل الهی سازگار نیست، پس به حتم، سخن رسول الله نیست. فاضل نووی، از عالمان برجسته شافعی، در این باره می‌نویسد: «تمام این روایات از عمر بن خطاب و فرزندش عبدالله نقل شده است. عایشه سخن آن دو را انکار می‌کرد و آنان را به فراموشی و خطا [در نقل روایت نبوی] منسوب می‌کرد و در این باره به این آیه استناد می‌کرد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى». [۷]. مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین پس از نقل سخن فاضل نووی، می‌افزاید: «ابن عباس نیز این روایات را انکار کرده و بر خطای روایانش حجت

آورده است. تفصیل این مطلب در صحیح بخاری و صحیح مسلم و شروح آن دو آمده است. عمر و عایشه در این موضوع، پیوسته، مخالف یکدیگر بودند. طبری در نقل حوادث مربوط به سال ۱۳ هجری در جلد چهارم تاریخ خود، به نقل از سعید بن مسیب چنین آورده است: چون ابوبکر وفات یافت، عایشه برای او مجلس سوگواری و گریه ترتیب داد. عمر بر در خانه او ایستاد و آنان را از گریه و عزاداری برای ابوبکر نهی کرد. زنان سوگوار از این نهی سرپیچیدند. عمر به هشام بن ولید گفت: وارد خانه شو و دختر ابوبکر را به نزد من بیاور. عایشه، چون این سخن عمر را شنید، گفت: اجازه ورود به خانه‌ام را به تو نمی‌دهم. عمر به هشام گفت: وارد شو، من به تو اذن می‌دهم. هشام وارد خانه شد و امّ فروه، دختر ابوبکر، را به نزد عمر آورد. عمر او را به ضرباتی فرو کوفت و عزاداران چون چنین دیدند، پراکنده شدند. [۸]. نویسنده المجالس الفاخره، پس از نقل حوادث پیش گفته، چنین قضاوت می‌کند: «گویا عمر نمی‌دانست که پیامبر در ماجرای جنگ احد، گریه زنان انصار را شنید و مخالفتی نکرد و حتی گفت که حمزه، عمویم امروز گریه کننده‌ای ندارد. گویا عمر این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده بود که فرمود: برای کسی مانند جعفر باید گریست و گویا عمر فراموش کرده بود که پیامبر صلی الله علیه و آله او را از زدن زنان گریان در عزای رقیه، دخترش منع فرمود». [۹]. غیر از همه اینها، کتب تاریخی و منابع روایی، مشحون است از فعل و قول و تقریر نبی که در آنها وجهی برای جواز گریه در عزای مؤمنان در گذشته است. از جمله، گریه آن حضرت در روز مرگ عمّ بزرگوارش، ابو طالب [۱۰]، و در روز شهادت حمزه سیدالشهدا [۱۱]، و جعفر [۱۲] و زید بن حارثه [۱۳] و عبدالله بن رواحه. [۱۴] در بسیاری از منابع، درباره شدت گریه پیامبر صلی الله علیه و آله در عزای حمزه، آمده است که آن بزرگوار چنان گریست که حالت غشی در او پیدا شد. [۱۵]. همچنین در روز مرگ فرزندش، ابراهیم، بر جنازه او گریست. در آن حال، عبد الرحمن بن عوف گفت: «آیا شما نیز گریه می‌کنید؟» پاسخ پیامبر به او، پاسخ به همه آنانی است که گریه و عزاداری را ناپسند و بدعت می‌شمارند؛ فرمود: «قلب، اندوهگین می‌شود و چشم گریان و ما [در هنگام عزاداری] سخنی نمی‌گوییم که خدا را ناخشنود کند». بنابراین، گریه چشم، تابعی از حزن قلب است. نمی‌توان قلبی محزون داشت، امّا نگریست. [۱۶] روایاتی نیز درباره گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر قبر مادرش، آمنه، وارد شده است. [۱۷] حاکم در مستدرک از گریه هر جمعه فاطمه علیها السلام بر قبر حمزه خبر می‌دهد و می‌نویسد: «فاطمه - رضی الله عنها - در هر روز جمعه به زیارت مزار عمویش حمزه می‌رفت، نماز می‌گزارد و می‌گریست». [۱۸]. این سنت انسانی و دینی در زمان زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله چنان مرسوم و رایج بود که کسی در جواز و استحباب آن شک نمی‌کرد؛ چنان‌که نوشته‌اند پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم می‌آمدند و بر سر قبر آن بزرگوار سخت می‌گریستند و کسی از یاران و پیروان آن حضرت، مردم را نهی نمی‌کرد. این روایات فراوان و سیره منقول، دست محدث و محقق را برای توجیه یا تضعیف روایاتی که بر کراهت گریه و عزاداری بر مردگان و شهیدان دلالت می‌کنند، باز می‌گذارد. [۱۹].

## ادله و انواع مخالفان

### اشاره

مخالفانی که برای گریه بر امام حسین علیه السلام وجهی شرعی نمی‌شناسند و به همین جهت، گریه و عزاداری برای آن سرور جوانان اهل بهشت را مکروه و مخالف با روح دین می‌دانند، همه در یک موضع نیستند. در این جا، گروه‌های مخالف با عزاداری را در سه دسته قرار می‌دهیم و درباره هر گروه، جداگانه، سخن می‌گوییم. گروه نخست، کسانی هستند که از موضع سلفی‌گری سخن می‌گویند و برای مخالفت خود با عزاداری، وجوه شرعی، تاریخی و روایی می‌تراشند. گروهی نیز برای گریه و عزاداری در مصائب امام حسین علیه السلام توابع و پیامدهای سوء سیاسی می‌بینند. مخالفت گروه سوم از مواضع تفسیرهای عرفانی و صوفیانه است.



شرح و تفصیل عقاید گروه‌های پیش گفته، بدین قرار است:

### مخالفت از موضع شرعی

پیروان مذهب وهابیت و شاگردان ابن تیمیه بر آنند که گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام یا هر متوفای دیگر، بدعت در دین و انحراف از سنت نبوی و سیره سلف است. ابو العباس احمد بن عبد الحلیم، معروف به «ابن تیمیه»، از عالمان حنبلی، با استناد به برخی آیات و گوشه‌هایی از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب نامدار او، به مخالفت با بسیاری از عقاید شیعی برخاست. پس از او شاگردش، «ابن القیم»، عقاید وی را رواج داد و در کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد بر حجم و نفوذ اندیشه‌های استاد افزود. از همان زمان، کتاب‌های بسیاری در نقد و رد افکار ابن تیمیه، از سوی عالمان شیعه و سنی نوشته شد. از آثار عالمان شیعی می‌توان از إحقاق الحق قاضی نور الله شوشتری، عبقات الأنوار میر حامد حسین، الغدیر علامه امینی و المراجعات سید عبد الحسین شرف الدین یاد کرد. دانشمندان اهل سنت نیز کتاب‌های بسیاری در نشان دادن انحرافات فکری ابن تیمیه نگاشتند که یادکرد آنها در این مختصر نمی‌گنجد. به هر روی ابن تیمیه و پیروان او، (معروف‌ترین آنها محمد بن عبد الوهّاب (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶ ق)) از سر سخت‌ترین مخالفان گریه و عزاداری برای شهیدان، بویژه حضرت سیدالشهدا هستند. آنچه پیش از این گفته آمد و پاره‌های روشنی از سنت نبوی و پاسخ‌های متین مؤلفان شیعی و سنی به عقاید سلفی‌ها، این قلم را از شرح و بسط بیشتر معاف می‌کند. همین قدر می‌افزایم که مخالفت با گریه، عزاداری، توسل، زیارت و شفاعت خواهی، در واقع منازعه با بخش‌های مهم و محکمی از شریعت است که ریشه در قرآن و سنت دارند. ابن تیمیه و شاگردان او در توجیه افکار خود، به بخش‌های ضعیفی از سنت و سیره سلف تمسک می‌کنند؛ اما آنان اگر بخواهند بر عقاید خود باقی بمانند، باید بخش‌های بیشتر، مهم‌تر و مستندتری از سیره و سنت نبوی را انکار کنند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین سخن این گروه، آن است که گریه و نوحه برای کسی از مردگان یا شهیدان، بدعت است و هیچ سابقه و سائقه دینی - نه در نصوص و نه در سیره سلف - وجود ندارد. روشن است که حتی اگر یک سخن مستند و یا یک واقعه تاریخی، نقل و اثبات شود که در آن بر تعزیت و نوحه‌گری بر شهیدی از شهیدان یا مرده‌ای از مردگان، صحّه گذاشته شده باشد، فرضیه بدعت‌انگاری آنان مخدوش و سست خواهد شد. حال آن‌که همه تاریخ اسلام، بنابر کهن‌ترین منابع و واثق‌ترین راویان، شاهد وقوع چنین نوحه‌گری‌ها و عزاداری‌ها از سوی اولیا و حتی پیامبر خدا بوده است. باید در نظر داشت که این گروه قائل به حرمت‌اند و قائلان به حرمت باید دلایل بسیاری اقامه کنند. در مقابل، کسانی قرار دارند که می‌توانند ضمن تمسک به اصل «اباحه»، به یک دلیل نقلی نیز بسنده کنند. حال آن‌که صدها و هزاران دلیل و برهان بر این قضیه دارند. از آن‌جا که درباره این‌گونه مخالفت‌ها و این دسته از مخالفان، آثار و تصنیفات فراوانی به قلم عالمان برجسته اسلامی نوشته شده است، نقد و بررسی آرای گروه نخست را همین‌جا و می‌نهییم و خوانندگان را به مطالعه آثاری همچون إحقاق الحق، المراجعات و المجالس الفاخره ارجاع می‌دهیم.

### مخالفان سیاسی

گروهی از مخالفان گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام، مخالفت خود را بر اقتضائات و احکام و عقاید شرعی بنا نمی‌کنند؛ بلکه برای ذکر مصائب آن حضرت علیه السلام، پیامدهای سوئی بر می‌شمارند (!) که احتراز از آن را برای حفظ وحدت کیان اسلامی واجب می‌دانند. این گروه معتقدند برگزاری مجالس عزا، به ایراد سخنرانی می‌انجامد که در آنها طعن و لعن برخی اصحاب وجود دارد و همین مایه اختلاف و نزاع بین مسلمین می‌شود. ابن حجر در الصواعق المحرقة از غزالی نقل می‌کند که گفته است: «بر واعظ، و غیر واعظ، نقل کشته شدن حسین و حکایات مربوط به آن و نیز نقل مشاجرات و مخاصمات میان صحابه پیامبر،

حرام است؛ چرا که این کار موجب گستاخ شدن بر برخی صحابه و طعن بر ایشان می‌شود، در حالی که آنان از بزرگان دین اند...».

[۲۰]. بدین ترتیب نباید از مصائب اهل بیت علیهم السلام و قصه پر آب چشم عاشورا سخن گفت؛ چرا که در این سخن، قبح اصحاب هست و ذم بسیاری از راویان و مشاهیر صدر اسلام! در روزگار ما نیز این سخن به گونه‌هایی گفته می‌شود. کسانی از سرِ دلسوزی یا غفلت، بر این باورند که برای حفظ وحدت مسلمین و یکپارچگی جهان اسلام، باید از ذکر و نقل پاره‌ای از حوادث صدر اسلام، چشم پوشید و اصل «تبرا» را یکسره به کناری نهاد. این سخن، اگر چه یکسره باطل نیست و گاه باید به اقتضای زمان و مکان، شیعیان به عزاداری‌های خود، شکل معتدل تری دهند؛ اما نمی‌توان آن را تا آنجا پذیرفت که حقایق تاریخی و گوهر دین و مسلمت شرعی را از یاد برد. امامان علیهم السلام و بزرگان شیعه، در حساس‌ترین سال‌ها و قرون تاریخ، ذکر مصائب ابا عبدالله علیه السلام را متوقف نکردند و همواره به تناسب و اقتضای زمانه و زمینه، به وظیفه عزاداری خود برای امام حسین علیه السلام عمل کردند. البته باید پذیرفت که شکل‌هایی از عزاداری و تعزیه‌خوانی برای حضرت سیدالشهدا نه منفعت، که زیان‌های بسیاری در پی داشته است؛ امّا همه این زیان‌ها، ناشی از شکل خاصّ عزاداری بوده است، نه اصل آن. اما درباره سخن غزالی، که روایت مقتل حسین علیه السلام را بر اهل خطابه تحریم کرده و فتوای خود را به حفظ حرمت صحابه و قوام دین مستند نموده است، سخن بسیار می‌توان گفت؛ از جمله این که اگر این استدلال را بپذیریم، آن گاه باید در هر مسئله‌ای که میان مسلمین پدیدار می‌گردد و نزاعی بر می‌انگیزد، سکوت کرد و از بیم اختلاف و منازعه، حق را تنها گذاشت. قصه دردناک کربلا، ثمره همین سکوت‌ها و مجامله‌هاست. اگر مسلمانان می‌ایستادند و جبهه حق را از حضور و سلحشوری خود می‌آکنند، هرگز کار به عاشورا نمی‌کشید و اگر شیعه نیز از عاشورا به بعد، همان گونه رفتار می‌کرد که مسلمانان نخستین در سقیفه و جمل صفین عمل کردند، تاریخ پر از جنایات و خباثت باطل گرایان می‌شد. دیگر آن که شیعیان به اختیار و اجتهاد خود به این موضع و عملکرد نیفتادند که به اختیار و اجتهاد خود از آن دست کشند. بلکه روایت‌ها و اخبار بسیار در تأکید و توصیه به ذکر مصائب امام حسین علیه السلام مستند آنان بوده است. از همه اینها گذشته، مجالس عزای حسینی، در طول تاریخ، به مثابه کلاس‌های درس برای توده‌های مردم بوده و آنان را با احکام و عقاید دینی، تاریخ، رجال، سیاست و صدها موضوع دینی و غیر دینی دیگر آشنا می‌کرده است. این مجالس، مهد پرورش انسان‌های تقوا پیشه، خداترس و حق طلب است و تعطیل کردن آنها، به معنای حذف بخش مهمی از دستگاه آموزش دینی است. در عین حال نباید به گونه‌ای عمل کرد که دشمنان اسلام و انسانیت، سوء استفاده کنند و همین مقدار همدلی و وحدتی که میان مسلمان‌ها است، منهدم گردد. باید پذیرفت که برخی انواع عزاداری، در نهایت به سود دشمنان اسلام تمام می‌شود و آب در جوی کسانی می‌ریزد که نه به ادامه حیات شیعه راضی‌اند و نه از وجود دیگر شاخه‌های مسلمین، دل خوش دارند. از سویی، کسانی مانند غزالی، که چنین نصیحت‌های عامه پسندی را در آثار خود بسیار دارند، آنجا که به نزاع با فرقه‌های مخالف خود بر می‌خیزد، هیچ یک از این دست ملاحظات و آسان‌گیری‌ها را روا نمی‌دارند. آگاهان به مباحث کلامی و آشنایان با تاریخ تمدن اسلامی، نیک می‌دانند که غزالی و هم‌فکرانش، در مبارزه با عقاید شیعی - بویژه فرقه اسماعیلیه - از هیچ تلاش و ترفندی دریغ نکردند. اگر نسخه تسامح و مدافعت سود بخش است، او نباید این همه در ردّ روافض و قائلان به امامت، کتاب می‌نوشت و آنها را به خلیفه عباسی یا سلطان سلجوقی تقدیم می‌کرد. به هر روی، نگارنده نیز بر این عقیده است که در حال حاضر هیچ اصل و فرعی، به اندازه حفظ وحدت مسلمین، اهمّیت و رواج ندارد؛ امّا بر این گمان نیست که ذکر مصائب امام حسین علیه السلام و برپایی مجالس عزاداری در برخی از شکل‌های آن، موجب هدم وحدت و از هم گسیختگی شیرازه امت اسلام است.

### مخالفت از موضع عرفان

گروهی گریه و اقامه مجلس عزا را برای مرده - هر قدر که بزرگ باشد - انحراف در عقیده می‌دانند و استدلال می‌کنند که چنانچه

انسانی از بند تن رست و به جوار حق پیوست، جا دارد که برای او شادمانی برپا کرد و وصال او را جشن گرفت؛ زیرا مرگ یا شهادت، او را به آرزوی دیرینه‌اش، که همانا اتصال به عالم معنا و آرمیدن در جوار حق است، رسانده است؛ چنان که مسیحیان روز شهادت عیسی علیه السلام را جشن می‌گیرند و شادمانی می‌کنند. این عمل مسیحیان، نشان می‌دهد که شهادت را برای عیسی علیه السلام خیر و موفقیت می‌دانند، نه شکست و نا فرجامی. سخنگوی این دیدگاه، در میان علمای اسلامی، مولوی است. وی در دفتر ششم مثنوی، حکایت شاعری را نقل می‌کند که روز عاشورا وارد شهر حلب شد و چون از آداب و رسوم مردم آن شهر بی‌خبر بود، از نوحه و عزای آنان در ماتم امام حسین علیه السلام در شگفت ماند. تا این که از مردم پرسید و خواست که این بزرگی را که برای او چنین ماتم گرفته‌اند، به او بشناسانند. قصد شاعر، آن بود که برای آن عزیز از دست رفته، مرثیه‌ای بسازد. مردم به شاعر غریب گفتند که امروز، سال روز شهادت حسین بن علی علیهما السلام است. مرد شاعر گفت: او که قرن‌ها است مرده است؛ گذشته از آن، اگر ماتم می‌گیرید و عزاداری می‌کنید، برای خود کنید که او در چنین روزی، شادمانه‌ترین واقعه زندگی خود را تجربه کرده است: پس عزا بر خود کنید ای خفتگان ز آن که بد مرگی است این خواب گرانروح سلطانی ز زندانی بجست جامه چه درانیم و چون خاییم دستچون که ایشان خسرو دین بوده‌اند وقت شادی شد چو بشکستند بندسوی شادروان دولت تاختند کُنده و زنجیر را انداختند [۲۱]. به اقتضای این عقیده شگفت و شاذ، باید برای همه کسانی که دنیا را پشت سر گذاشته‌اند، شادمانی کرد. در برابر این عقیده باید گفت که اولاً «دنیای مسیحی که این شهادت را جشن می‌گیرد، روی همان اعتقاد خرافی است که می‌گوید عیسی کشته شد تا بار گناه ما را بر دوش کشد؛ بنابر این، مرگ او موجب سعادت و متضمن خوشبختی ما در آخرت است؛ ثانیاً این همان فرق اسلام و مسیحیت تحریف شده است. اسلام دین اجتماعی است و مسیحیت، دینی است که همه آن چیزی که دارد، اندرز اخلاقی است. از طرف دیگر، گاه به یک حادثه‌ای از نظر فردی نگاه می‌کنیم و گاه از نظر اجتماعی. از نظر اسلام، شهادت حسین بن علی علیه السلام از دیدگاه فردی، برای شخص امام علیه السلام یک موفقیت بود و خود حضرت می‌فرمود: "خُطَّ الموت علی وُلْد آدم، مَخْطُ القلادَةِ علی جید الفتاء و ما أولهنی إلی أسلافی اشتیاق یعقوبَ إلی یوسف." [۲۲] از نظر شهید، شهادت، موفقیت است. امام علی علیه السلام آن گاه که تیغ خوارج بر فرق مبارکش فرود آمد، فرمود: "والله ما فجأنی من الموت وارد کرهته أو طالع أنکرته و ما کنتُ إلاً کقاربٍ وردٍ و طالبٍ و جید." [۲۳] اما اسلام، طرف دیگر را هم لحاظ می‌کند و قضایا را همیشه از منظر شخصی نمی‌نگرد. آیا جنبه اجتماعی عاشورا از جنبه شخصی آن تفاوت نمی‌کند؟ حادثه عاشورا از جنبه اجتماعی و نسبت به کسانی که مرتکب آن شدند، مظهر یک انحطاط در جامعه اسلامی بود. لذا همواره باید زنده بماند و یادآوری شود تا دیگر تکرار نگردد. [۲۴]. افزون بر همه اینها، مسلمانان چگونه و به چه بهانه‌ای می‌توانند در شهادت فرزند پیامبرشان به عزا نشینند و آن را زنده نگه ندارند، در حالی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حتی هنگام ولادت حسین علیه السلام و سال‌ها پیش از وقوع حادثه عاشورا، بر او گریست و بنا بر اخبار بسیاری که در کتب فریقین جمع است، بارها حالت حزن و اندوه از خود نشان داده است: ابن سعد از شعبی چنین روایت کرده است: علی در راه صفین از کربلا می‌گذشت و چنان گریست که خاک از اشکش نمناک شد. فرمود: به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم در حالی که می‌گریست. گفتم: پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا، چرا می‌گریی؟ پیامبر فرمود: جبرئیل هم اینک نزد من بود و مرا خبر داد که فرزندم حسین بر کناره فرات و در سرزمینی به نام "کربلا" کشته می‌شود. آن گاه جبرئیل، مشتی از خاک کربلا را فرا آورد و به من بویاند. [۲۵]. بنابر این، شیعه برای گریه بر حسین و عزاداری و اقامه مجالس نوحه برای آن سید و سالار شهیدان، نه تنها مستظهر به روح و اندیشه‌های دینی است، بلکه برای توجیه و تصحیح عمل خود، نصوص بسیاری را می‌تواند از سنت و سیره نبوی نشان دهد. سخن آخر در این باره آن است که ماجرای گریه و عزاداری شیعه برای امام حسین علیه السلام، علاوه بر آن که ثبوتاً، حق و مطابق با سمت و سوی اسلام است، اثباتاً نیز فواید بسیاری را نصیب دین و دینداری کرده است. این موضوع، یعنی فلسفه و فواید عزاداری برای امام حسین علیه السلام، خود مقوله دیگری است که نیاز به فحوص و مجال فراخ‌تری

دارد. آنچه تاکنون گفته آمد، نشان دادن ریشه‌های این مسئله در متون روایی و نصوص دینی و پاسخ به انواع مخالفان آن بود.

## پاورقی

- [۱] سوره حج، آیه ۳۲.
- [۲] سوره بقره، آیه ۱۵۸.
- [۳] سوره حج، آیه ۳۶.
- [۴] سوره شوری، آیه ۲۳.
- [۵] صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۰.
- [۶] سنن نسایی، ج ۴، ص ۱۶.
- [۷] شرح صحیح مسلم المطبوع فی هامش شرحی القسطانی وزکریا الانصاری، مجلد الخامس، ص ۳۱۸، به نقل از عبدالحسین شرف الدین، المجالس الفاخره، ص ۱۷؛ و منتهی الآمال، تاریخ حضرت سیدالشهدا، خاتمه.
- [۸] المجالس الفاخره، ص ۱۷.
- [۹] همان. ]
- [۱۰] ر. ک: سیره حلبی، باب ابی طالب و خدیجه، ص ۴۶۲، به نقل از المجالس الفاخره، ص ۱۳. مؤلف المحاسن، منابع بسیاری برای این خبر و خبرهای پس از آن نقل می‌کند.
- [۱۱] سیره حلبی، جزء ۲، ص ۳۲۳، به نقل از همان.
- [۱۲] همان.
- [۱۳] همان.
- [۱۴] همان.
- [۱۵] همان.
- [۱۶] صحیح بخاری، الجزء الاول، ابواب الجنائز، ص ۱۵۵. تشبیه گریه چشم به حزن قلب، برای آن است که معلوم شود آن دو در حکم (جواز) یکسانند و چنان که بر یکی (حزن قلب) حرجی نیست، دیگری نیز همین حکم را دارد.
- [۱۷] حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۱۱۲.
- [۱۸] وفاء الوفاء، تج ۴، ص ۱۳۶۱.
- [۱۹] مرحوم علامه امینی در الغدیر، سید شرف الدین در المجالس الفاخره و آیت الله سید جعفر سبحانی در آیین و هابیت، به پاره‌ای از این روایات اشاره کرده و پاسخ گفته‌اند.
- [۲۰] الصواعق المحرقة، ص ۲۲۳.
- [۲۱] مثنوی معنوی، نسخه نیکلسون، دفتر ششم، ابیات ۷۹۶ - ۷۹۹.
- [۲۲] بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶؛ اللهوف، ص ۲۵؛ مقتل الحسین الخوارزمی، ج ۲۲، ص ۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹.
- [۲۳] بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۵۴؛ فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۸۷۵.
- [۲۴] شهید مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۲۸، با تلخیص و تصرّف.
- [۲۵] قندوزی، ینابیع المودّه، باب ۶۰، احادیث وارده در شهادت امام حسین علیه السلام.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

